

ندای فرم‌ها

مقدمه‌ای بر شناخت رنگ‌ها - خطوط و اشکال و کاربرد آن در انتشارات و تبلیغات

هر پدیده‌ای را زبانی است. آن‌چنانکه زبان عضو گویای انسانی است و خط زبان دست. اشارت‌ها مفاهیم شناخته شده و معینی دارند که برای بسیاری از به‌کارگیرندگان آن شناخت است. آنانکه از نعمت گویایی بی‌بهره‌اند خود برای ارتباط علایمی را برگزیده‌اند و اگرچه برای بسیاری از ما ناشناخته است اما برای آنان به قدر کفایت بلیغ است.

رنگها در میان ملت‌های مختلف هرکدام مفهومی دارند متفاوت و شناخته شده. اما این مفاهیم، مفاهیمی قراردادی و عرضی‌اند. رنگ‌ها آثاری درونی دارند که در اقلیم‌های مختلف ثابت و همسانند. اگرچه حتی ممکن است بسیاری از ما نسبت به آن آگاهی و علم نداشته باشیم اما ناخودآگاه آثار مورد نظر را دریافت کنیم. کار گرافیک که رنگ و فرم از عناصر اصلی آن محسوب می‌شود علمی تازه، ظریف و پیچیده است و به تبع همین پیچیدگی در صورتی که ناآگاهانه به‌کار گرفته شود آثار منفی خود را در دراز مدت به‌جای خواهد گذاشت و طبعاً کاربری هوشمندانه و آگاهانه آن ابزار نافذی را در اختیار ما قرار خواهد داد.

این مطلب به‌عنوان یک نیاز توسط آقای بهرام کلهرنیا مطرح شده که به‌علت تازگی و جذابیت موضوع به‌صورتی که در زیر می‌آید برای مدیران و کارکنان روابط عمومی تنظیم و آماده شد. ان شاءالله که مفید و اثر بخش خواهد بود.

در زمانه ما «ارتباطات» پیچیده‌ترین، ظریف‌ترین و ویژه تین مقوله‌ای است که مطرح است. در پایان یک قرن کهنه شده و در آستانه سده‌ای تازه، ارتباطات آن اهمیت را یافته است که جهان را، جهان ارتباطات تلقی می‌کنند و ابزارها و تکنولوژی ارتباطی هر روز و هر لحظه دقیق‌تر، سنجیده‌تر و پر قدرت‌تر می‌شود و در حجمی وسیع‌تر به‌کار گرفته می‌شود.

برای ایجاد یک هم‌زمانی گسترده، «گرافیک» نقشی بسیار تعیین‌کننده ایفا می‌کند.

ارتباط انسان با هستی مقوله ویژه‌ای است که نظام منطقی و قانونمندی خاص خود را دارد. انسان با ابزارهای خاصی که در اختیار دارد با پیرامون خود رابطه برقرار می‌کند و آن را به‌دلخواه تغییر می‌دهد. این ابزارها همان حواسی هستند (بینایی، شنوایی، گویایی و...) که همه از آن برخورداریم. احساس دیداری و شنیداری و سایر خاصیتها که با تولد کودک پدید می‌آیند پیوند او را با جهان اطراف برقرار می‌کنند و این پیوند به‌تدریج از ساده به پیچیده میل می‌کند و هر روز دقیق‌تر

می‌شود.

مطابق آزمایشهای انجام گرفته معلوم شده است که ارتباط کودک با محیط، در آغاز ساده است. او به‌درستی اندازه‌ها و سایر اطلاعات دریافتی را ادراک نمی‌کند و امکان سنجش ندارد. اما آرام آرام ساخت وی عمیق می‌شود. این پژوهشها نشان داده است که انسان به‌طور طبیعی، شکل‌های عمودی را بسیار واضح‌تر از اشکال افقی می‌بیند. به‌عبارت دیگر کودک تصاویری را که بر روی فرم‌های عمودی طراحی می‌شود دقیق‌تر می‌بیند. به‌این ترتیب اگر تعدادی

آوای رنگ‌ها، ندای فرم‌ها

خطوط موازی را به صورت عمودی در یک صفحه قرار دهیم، کودک آنها را بسیار قوی و پرنرژی می‌بیند درحالی‌که وقتی همان صفحه به صورت افقی قرار داده شود به مقدار زیادی رنگ می‌باشد و توان خود را از دست می‌دهد. نتیجه این مطالعه این بهره را به ما می‌دهد که برای کمک به خواننده شدن (تشخیص و تفهیم) یک تصویر، بهتر است از فرمهای عمودی که پر نفوذترند و به نسبت سریعتر دریافت می‌شوند استفاده کرد.

اگر سخنران در حالت ایستاده با مخاطبان سخن بگوید تأثیر کلامش، عمیق‌تر و کاملتر از زمانی خواهد بود که پشت میزی که در واقع یک خط افقی را تشکیل می‌دهد به حالت نشسته سخن بگوید.

این پدیده در تمام هستی عمل می‌کند و اگر در صفحه نشریه‌ای خطوط افقی پر قدرت تر ترسیم شده باشند ارتباط کمتر و ضعیف‌تری با خواننده برقرار می‌کند و مخاطب آن را جدی نمی‌گیرد.

از همین روست که اغلب نشریات خبری را با کادر عمودی در نظر می‌گیرند.

با وجود این، کادر افقی نیز می‌تواند برای گروههای سنی مختلف و مطالب

خاص مورد استفاده و سودمند باشد، منتها باید آن مفاهیم را عمیقاً شناخت و آن مخاطب را دقیقاً یافت و برحسب نیاز عمل کرد.

یک طرح گرافیکست باید در انتخاب کادر دقت و حساسیت کافی مبذول کند. همچنین در یک کار چاپی باید ابعاد ماشین و محدودیتهای آن را بدانیم.

این توضیح ضروری است که طراح می‌تواند برحسب تلقی خود از مفهوم پیام و گروه مخاطبان، تغییراتی در اصول گفته شده ایجاد کند. به عنوان مثال استفاده زیاد از کادرهای عمودی در مناطق گرمسیری مشکلاتی را به وجود می‌آورد درحالی‌که در مناطق سردسیر گزینه درستی است و نتایج موفق‌تری را به بار می‌آورد.

خطوط عمودی و افقی دو کاراکتر اساسی هستند که انسان به آنها حساس است.

برابر آزمایشهای انجام شده، آن دسته از عناصر بصری که روی خطوط افقی قرار می‌گیرند کوچکتر می‌شوند و محدودیت بصری می‌پذیرند و از دروازه تشخیص آگاهانه می‌گریزند، سرعت را افزایش می‌دهند و در مقابل از میزان تماس می‌کاهند. این عناصر تأثیری سرد و خشک و بسیار طولانی دارند. بیننده‌ای که با خطوط افقی تماس برقرار می‌کند به سرعت ارتباط خود را از دست می‌دهد اما تأثیر درازمدت آن شدت پیدا می‌کند و حافظه مخاطب را در درازمدت نسبت به آن حساس می‌شود.

خطوط عمودی تأثیری وارونه دارد. عنصر بصری عمودی سرعت تماس و قدرت تشخیص را بالا می‌برد و تشخیص اندازه‌ها به روشنی ممکن

می‌گردد مخاطب سرعت دریافت پیدا می‌کند. تثبیت زمانی درازمدت برای خط عمودی کمتر است. خط عمودی اطلاعات دهنده است و هرچه کشش پیدا کند اطلاع رسانی سرعت پیدا می‌کند.

خط عمودی، خطی گرم، زنده، مثبت و پرنرژی است که حالت خلاق دارد. مانند ریشه یک درخت خود را به سرعت توسعه می‌دهد. این خط در بخش پایین، احساس ذخیره شدن و احساس اینکه چیزهایی را درون خود دارد به وجود می‌آورد. درحالی‌که در بخش بالایی نوعی سبکی، نوسان و شادابی را به نمایش می‌گذارد.

خط عمودی به شکل معکوس از اندازه واقعی خود بلندتر دیده می‌شود. پرکشش است، اشتیاق به سمت گرما دارد و از نظر رنگ، گروههای رنگهای گرم (قرمز - زرد - نارنجی) را به خود اختصاص می‌دهد و آنها را بهتر می‌پذیرد.

برای نشریاتی که گزارش‌های خبری را درج می‌کنند و تمایلی ندارند که در درازمدت زندگی کنند بلکه به توزیع سریع می‌اندیشند متوجه حرفهای روزانه کادر عمودی بسیار مناسب است. با این تفاوت که وقتی خط عمودی به صورت کادر مستطیل عمودی درمی‌آید باید مراقب بود که تناسب اضلاع این مستطیل مورد سنجش واقعی قرار گیرد.

وقتی کادر را پرکشش کنید خط عمودی سرعت می‌گیرد ولی اثر درونی آن با مخاطب مختل می‌شود، مخاطب احساس می‌کند که تأثیرهایی فاشیستی را دریافت می‌کند. این گونه کادری، معمولاً مخاطب را تحت نفوذ پر قدرت

آوای رنگ‌ها، ندای فرم‌ها

اجتماعی را پوشش می‌دهد. کادر مربع، توانهای هماهنگ شده را متوجه خود می‌کند.

در مواردی که علاقه‌مندیم حرفهایی را با مخاطب بزنیم که هیچ پدیده بیرونی در آن اثر نگذارد کادر مربع بهترین است. یک آگهی دیواری در کادر مربع به معنای حذف اثر پدیده‌های پیرامونی است و ارتباط با محیط اطراف را به حداقل می‌رساند.

به این ترتیب می‌پذیریم که کادر زنده است، نفس می‌کشد، جان دارد، خاصیت‌های معینی را داراست که اگر این خاصیت‌ها را به دقت مورد استفاده قرار دهیم به راحتی با ما همراهی خواهند کرد.

چنانچه در گزینش کادر اشتباه کنیم حرفهای ما ناگفته باقی خواهد ماند. طراح باید کادرها را به طور جدی شناسایی کند.

وقتی کادر مربعی را با دو خط عمودی و افقی به چهار قسمت برابر تقسیم کنیم چهار کادر تازه ایجاد می‌شود که دارای ۴ خاصیت مختلف است و ما می‌توانیم متناسب با نیاز خود از کادرها و فضاها استفاده کنیم.

۲	۱
۴	۳

می‌کند. و ما متناسب با موارد نیازمان می‌توانیم از آن استفاده کنیم.

به عنوان مثال اگر شما نشریه‌ای دارید که آن نشریه می‌خواهد اعتماد خود را به تجربه نشان دهد. در این صورت خط افقی با شما همراهی خواهد کرد. چنانچه بخواهید نشریه‌ای در درازمدت دوام آورد و آسیب نپذیرد، کادر افقی شما را حمایت خواهد کرد.

یک کودک کتاب با کادر افقی خود را بیشتر حفظ می‌کند درحالی که کتاب با کادر عمودی خود را زودتر پاره می‌کند و دور می‌ریزد.

اگر مخاطب ما انسان سالمندی است به کار بردن کادر افقی خطرهایی در بر خواهد داشت. زیرا کادر افقی دعوت به خاموشی دارد و از آنجا که این کادر انرژی را از آنان می‌گیرد به کارگیری آن منطقی نیست. درست به همان ترتیب که به کار بردن یک کادر عمودی پرکشش در این مورد حادثه‌ساز است زیرا دعوت به خرج کردن انرژی می‌کند. در چنین مواردی باید به دنبال هماهنگی درونی کادر باشیم و ابعاد مناسبی را بیابیم. به این ترتیب اگر قرار باشد کتابی ماندنی شود کادر افقی و یا کادرهای هماهنگ شده افقی به ما کمک خواهند کرد.

اما کادر مربع... این کادر به علت یکسان بودن اضلاع آن، کادری خنثی است و خود را به آسانی در اختیار استفاده کننده قرار می‌دهد. کادر مربع یک کادر ویژه است با خاصیت قدرت و استحکام، اما فاقد اثر اجتماعی وسیعی است. این کادر معمولاً با گروههای محدود اجتماعی ارتباط می‌گیرد، در حالی که کادر عمودی بیشترین گروه

و آمرانه قرار می‌دهد. و هر فرد مستقل می‌کوشد تا خود را از آثار آن برهاند. در سالهای جنگ جهانی دوم پوسترهایی در آلمان به چاپ رسید که دارای کشش غیرعادی بودند. این پوسترها مردم را به مشارکت در جنگ دعوت می‌کردند. نتیجه استفاده از این کادرهای پرکشش جذب نیروهای داوطلب بسیار برای حضور در جبهه‌ها بود. اما این روش در درازمدت نتیجه عکس داد و داوطلبان از جبهه‌ها گریختند. اتفاق بر این است که باید بین پهنا و بلندی کادر تناسب وجود داشته باشد و این تناسب است که هماهنگی و ارتباط ایجاد می‌کند.

اما خط افقی... این خط، عنصری سرد و خاموش است، به طور معمول از در دید می‌گریزد. کودک در سالهای بدو تولد، عناصر بصری را که روی خط افقی قرار می‌گیرند تشخیص نمی‌دهد. او دستش را تنها برای گرفتن خط عمودی دراز و آنها را لمس می‌کند. درست به همان ترتیب که بزرگسال خط عمودی را عمیق‌تر و روشن‌تر می‌بیند. جالب است بدانیم که برای موجودات پست و حشرات نیز تشخیص خط افقی ناممکن است درحالی که خط عمودی را بهتر می‌بینند.

خط افقی احساس ذخیره کردن را تشدید می‌کند. دز واقع ما این فرض را داریم که خط افقی در بی‌نهایت قرار گرفته و اشیاء و پدیده‌ها، وقتی که به خط افقی نزدیک می‌شوند بلندی خود را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر، یک کوه در خط افق به یک نقطه تبدیل می‌شود و به همین علت تصور ذخیره شدن، تجربه‌دار بودن، کهنسال بودن و بسیاری از خاصیت‌های دیگر را تداعی

آوای رنگ‌ها، ندای فرم‌ها

می‌پوشاند و به‌خاطر همین خاصیت است که خط فارسی نسبت به خطوط لاتین که از چپ نوشته می‌شوند از قدرت انتقال اطلاعات کمتری برخوردار است. درحالی‌که این زبان، زبان عاطفه و احساس است و گنجینه‌ای عظیم برای شعر محسوب می‌شود. در مقابل در زبانهای لاتین که خطوط آن از چپ نوشته می‌شوند علوم بسیار سریع‌تر رشد می‌کند.

کادر شماره ۳، فضای سکوت است درست نقطه مقابل کادر شماره ۱ که همه عناصر آن دارای صدا و ارتعاش است. به عبارت دیگر اگر می‌خواهید جنجالی به پا کنید فضای مناسب این کار، فضای شماره ۱ است. چنانچه می‌خواهید جنجالی را خاموش کنید و مطلبی را طرح کنید که خواننده آنرا ندیده بگیرد فضای شماره ۳ مناسبتر است.

کادر شماره ۴، لحن دراماتیکی دارد، اندکی مأیوس کننده است، حالت سوگواری دارد. ساکن‌ترین و مرده‌ترین فضای کادر مربع است.

کادر برای ما تنها یک فضای چاپی نیست بلکه محیط اجتماعی ساختمانها و معماریهای فضایی به‌شمار می‌آید که باید به درستی از آنها استفاده کرد. در جامعه امروز ایران، مطابق یک بررسی، حجم بسیار زیادی از نشانها در بالاترین نقطه سمت راست صفحات قرار می‌گیرد که نشانه یک روح جوان و شاداب و مشتاق برای انجام عمل اجتماعی است. سربرهایی که نشانها را در سمت چپ بالای صفحه دارند لحن قانونمند و منطقی را به‌نمایش می‌گذارند. معمولاً یک سازمان علمی و

پژوهشی از این فضا استفاده می‌کند. در واقع هر کادر سفیدی انباشته از انرژی است مخاطبی که کادر را نگاه می‌کند چشمش روی صفحه سفید جابه‌جا می‌شود، هیچ نقطه توقفی را نمی‌بیند و در واقع انرژی یکسانی در تمام سطح کادر در جریان است. به‌محض آنکه لکه‌ای در یک گوشه کادر قرار گیرد نوعی انباشتگی دیداری را به‌وجود می‌آورد. دیدار کننده چشمش جابه‌جا نمی‌شود و بلافاصله متوجه آن نقطه دیداری می‌گردد. با جابه‌جا کردن این نقطه مفاهیم و نوع ارتباط را می‌توان تنظیم کرد. طراح باید بداند میزانهایی را که برای ارتباط می‌خواهد کدام است و به چه ترتیبی انتخاب می‌شود. مخاطبین چگونه می‌خواهند دریافت کننده این پیام باشند. لذا باید این لکه انرژی را از (اعم از عکس یا نوشته) متناسب با هدف خود جابه‌جا کنیم. تنظیم آگاهانه آن به معنی ایجاد یک نقطه دیداری با کادر ویژه است که اگر میزان کشش تغییر یابد باید جای آن نیز تغییر پیدا کند تا مفهوم ثابت بماند.

پس کار، کار بسیار ظریفی است مسائل گوناگونی وجود دارد و جهان ما، آن‌طور که یک گرافیست می‌بیند در حوزه اقتدار سه نوع شکل (دایره - مربع - مثلث) قرار گرفته است.

هرکدام از این شکلها، خاصیتهایی دارند. دایره مبین بی‌نهایت است و چشم بیننده در یک جا متوقف نمی‌شود و به‌طور دایم دور دایره می‌گردد، هیچ نقطه پایانی برای او در نقطه تماس وجود ندارد. این شکل از اندازه واقعی خود بزرگتر دیده می‌شود، دست نیافتنی و بسیار ژرف است حالت پاکی

کادر شماره ۱ کادری است جوان و پرنرژی که حالت شروانه‌ای دارد. لحن آن بسیار عاطفی و احساسات زده است، مشتاق است هر جا کاری انجام می‌گیرد آن را بیان می‌کند. عناصر بصری که در این بخش قرار می‌گیرند در عین جوانی و شادابی، معمولاً تشخیص آنها دشوار است. اگر قرار باشد یک سری محاسبات ریاضی در این فضا درج شود مخاطب آن را به‌طور کامل دریافت نخواهد کرد.

کادر شماره ۲ فضایی منطقی و قانونمند است که با دریافت گرما و انرژی، عنصر بصری قابل فهم می‌شود. این کادر خاصیت آمرانه‌ای بیش از کادر شماره ۱ دارد، مسن به‌نظر می‌رسد، تجربه می‌یابد و حالتی از پاکی و طهارت به‌خود دارد.

در کتابهای کهن ایرانی، تمام پدیده‌های ماورایی از سمت چپ وارد کادر می‌شوند. عناصری که از جانب راست وارد می‌شوند به‌سرعت قدرت تشخیص‌شان را از دست می‌دهند.

اینکه خط فارسی از راست نوشته می‌شود نوعی دشواری است زیرا به‌محض نوشته شدن دست آن را

آوای رنگ‌ها، ندای فرم‌ها

صدادار است. نوسانات صوتی، در محیط قرمز رنگ به اوج خود می‌رسد. کسانی که در محیط‌هایی با رنگ‌های قرمز و نارنجی زندگی و یا کار می‌کنند اغلب دچار مشکلات شنوایی می‌شوند. پوست‌ها با رنگ قرمز، بلافاصله بیننده را متوجه خود می‌کنند و اثر خود را به سرعت به او منتقل می‌کنند. این رنگ در درازمدت به صورت یک روح آزاد و یک روح فشار و وسیله ایجاد تنش روانی عمل می‌کند، خستگی به بار می‌آورد و از نظر فرم‌شناسی معادل کادر مربع است. از نظر چشایی، طعم تلخ و تند دارد.

از سوی دیگر کادر مربع، نشانه زاد و بوم و سرزمین و علامت وابستگی‌های نژادی طایفه‌ای و خانوادگی است درحالی که دایره مفهوم آسمان دارد و کسی که در زیر گنبد آبی مساجد ایرانی قرار می‌گیرد گویی که در مرکز هستی قرار گرفته است. این انتخاب، گزینه‌ای هوشمندانه است که از فرم (دایره) و رنگی مناسب (آبی) برای بیشترین اثرگذاری استفاده کرده است.

مربع و مستطیل، هر دو منطقی‌ترین ارتباطات را با مخاطب برقرار می‌کنند و اطلاع‌رسانی به شکل نزدیک و صمیمی

تأثیر قرار می‌دهد رنگ است. رنگ پر نفوذترین و پر دامنه‌ترین تأثیرات را دارد. آبی سبب ایجاد محیطی آرام و کم تنش می‌شود و برای انسان نوعی آرامش و تسکین و حفاظت خلق می‌کند.

رنگ آبی از نظر پایداری عمومی، سرمازاست و کسی که از یک محیط گرم وارد اتاق آبی رنگ شود احساس خنکی می‌کند. این رنگ از نظر چشایی، طعم شیرین شکر دارد. مطابق بررسیهای انجام شده محصول کارخانه سازنده‌ای در بسته بندیهای مناسب وارد بازار شد اما فروش نرفت: بررسیهای صورت گرفته نشان داد که گروه‌های مختلف تحت آزمایش برای انتخاب محصولات ناشناخته‌ای که در بسته‌بندی را برای محصول شیرین، سبز انتخاب کرده بود. سبز رنگی است که به‌طور ناخودآگاه هشدارهای گوارشی منتشر می‌کند. براساس آزمایشها، کسانی که رنگ سبز را برای آشپزخانه خود در نظر می‌گیرند در درازمدت دچار مشکلات گوارشی می‌شوند. قفسه داروهای سمی در داروخانه‌ها معمولاً به رنگ سبز است، در سنت زندگی عادی کیسه صفرای جانور را که به رنگ سبز است زهرا به می‌گویند. رنگ سبز در عین حال نشانه سکوت است. چنانچه در مناطق پرتراфик و پر سر و صدا از رنگ سبز استفاده شود تا حدودی از شدت آن می‌کاهد.

رنگ قرمز، رنگی گرم و پرا انرژی و فعال است، حالت خلاقیت دارد به سرعت ارتباط برقرار می‌کند و به سرعت مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رنگ برخلاف رنگ سبز،

کاملی را منتقل می‌کند از نظر تطابق رنگی با آبی ملازم است و همان تأثیر رنگ آبی را بر بیننده دارد، آبی دست نیافتنی است و مفهوم ژرفا را می‌رساند. این رنگ در باور ایرانی رنگی مقدس شمرده می‌شود که معمولاً از آن برای رفع چشم زخم استفاده می‌کنند خرمهره‌های ایرانی جز رازهای سرامیک‌سازی جهان است که بحمدالله سرامیک‌سازان ایرانی آن را لو ندادند و کسی نمی‌داند که خرمهره‌ها چگونه ساخته می‌شوند. آبی رنگ محبوب مردم ایران بوده است. در سنت ایرانی وقتی نوزادی به دنیا می‌آید یک مهره آبی برگردن او می‌آویزند تا از آسیب و چشم زخم در امان باشد. همین خاصیت را برای گنبد‌های ایرانی نیز در نظر گرفته‌اند تا با استفاده از این رنگ نوعی اقتدار و انرژی را در انسان پدید آورند.

بیگانگان ایران را سرزمین آبی‌ها می‌شمارند. آبی‌های ما اعتبار جهانی دارند و این رنگ در طول تاریخ اعتبار خاصی یافته است. وقتی شما در کارهای خود از رنگ آبی استفاده می‌کنید در واقع برآیند که یک پوشش عمیق و دست نیافتنی را در کار خود ارائه کنید. پوست‌هایی با رنگ آبی، نفوذی از جانب بالا را دیکته می‌کنند که در عین حال ایجاد اعتماد می‌کند.

اصولاً با توجه به آزمایشهای انجام شده، رنگ وجود خارجی ندارد و این پدیده از کاراکتر دستگاه عصبی انسان ناشی می‌شود. انسان رنگها را در حد توان خود می‌سازد و بنابراین نوسانهای رنگی، تغییرات جدی درونی را به دنبال دارد. نخستین عنصری که بیننده را تحت

آوای رنگ‌ها، ندای فرم‌ها

ورخ به رخ صورت می‌گیرد.

اگر برای طرحی به ضرورت فرم دایره را برگزینیم باید بدانیم که این فرم امتیازها و محدودیت‌هایی دارد. دایره بیننده را میخکوب می‌کند و او را وادار به نگاه کردن می‌سازد. درحالی‌که بیننده کادرهای مربع یا مستطیل به آسانی می‌تواند از قید نگاه آزاد شود، زیرا مرکز مربع و مستطیل قدرت مرکزیت دایره را ندارد.

پرچم ژاپن با قابی که در پیرامون خود دارد و با رنگ سرخ و سفیدی که برای آن انتخاب شده است یکی از قویترین پرچم‌های جهان از نظر تأثیرگذاری است.

بین انبوهی از پرچم‌ها، پرچم ژاپن با سرعت بیشتری دیده می‌شود و مخاطب را تسلیم خود می‌کند. این ویژگی و خاصیت با زیرکی و هوشیاری زیاد از سوی ژاپنی‌ها به پرچم ژاپن بخشیده شده است.

کادر مربع گویی با مخاطب سخن می‌گوید درحالی‌که دایره این خاصیت را ندارد. در عوض برای انتقال خاصیت‌های آیینی و مقدس، ویژگی‌های ژرف و عمیق دایره بسیار مناسب است. فرم سه گوش، یک فرم

دوگانه است و دو خاصیت کاملاً متضاد دارد. حسودانه است و در عین حال خلاق و مثبت. این فرم آکنده از اثرهای سریع و شاداب است با این حال قدرت انتقال دایره، مربع و مستطیل را در درازمدت ندارد. مثلث به علت گوشه‌های تیزش در محیط پیرامونی حرکت می‌کند و آن را دگرگون می‌سازد. این فرم در جریان اثرگذاری احساس می‌شود که آهسته آهسته قدرت خود را از دست می‌دهد. از نظر رنگ فرم سه گوش مبین رنگ زرد است.

رنگ‌های آبی، سرخ و زرد از رنگ‌های اصلی هستند. رنگ زرد حالت نافذ و منتشر شونده‌ای دارد و در عین آنکه گرما دارد دارای رطوبت است.

زرد، رنگ دانایی، سنجیدگی و دقت است و کسانی که در محیط زرد قرار گیرند با سرعت و دقت بالایی می‌آموزند ولی ظرفیت زمانی آنها برای یادگیری کاهش پیدا می‌کند و کلاسهای آموزشگاهها با رنگ آمیزی زرد، ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. اما ساعتهای حضور شاگردان را در کلاسهایی با دیوارهای زردرنگ باید کاهش داد.

امپراتوران چین از ردای زردرنگ به‌نشان دانایی مطلق استفاده می‌کردند و جز آنها فرد دیگری مجاز به استفاده از این رنگ نبود. عملیات ریاضی در زمینه‌های زرد دقیق‌تر انجام می‌شود. در حالی‌که رنگ بنفش برعکس آن امکان تشخیص را کم می‌کند. رنگ زرد، همچنین رنگ ایمنی و هشدار محسوب می‌شود و از فاصله دور به سرعت خود را به چشم می‌کشد. به همین جهت

به‌عنوان رنگ احتیاط چراغهای راهنمایی و رنگ کلاههای ایمنی مورد استفاده است.

رنگ زرد نیز همانند فرم مثلث خاصیت دوگانه دارد. رنگ زرد به‌دو صورت رنگ نارنجی و زرد سبز دیده می‌شود. زرد سبز ویژگی هشدار ندارد و ایجاد بیماری می‌کند. این رنگ با افزودن مقدار کمی آبی به‌زرد به‌دست می‌آید. درحالی‌که اگر اندکی قرمز به‌رنگ زرد افزوده شود رنگ نارنجی پیدا می‌کند و مثبت و خلاق و هشدار دهنده می‌شود. احساس رقابت را القا می‌کند. این رنگ برای دستگاههایی که باید از آنها مراقبت شود رنگ مناسبی است. به‌عنوان مثال درحالی‌که جعبه محافظه یک دستگاه بخاری را زرد نارنجی می‌زنند دستگاه بخاری را زردسبز می‌زنند تا استفاده‌کننده پس از ساعتهای طولانی کار با آن، دقت خود را از دست ندهد.

سبز صدا را از بین می‌برد لذا مطابق استانداردهای جهانی، دستگاههای صداساز را با رنگ سبز پوشش می‌دهند. سبز ایجاد آرامش می‌کند و فضا را برای تصمیم‌گیری آماده می‌سازد. وقتی چراغ راهنمایی سبز می‌شود ما را دعوت به تصمیم‌گیری آماده می‌سازد. وقتی چراغ راهنمایی سبز می‌شود ما را دعوت به تصمیم‌گیری می‌کند. در کلام کوتاه، نارنجی به‌ما هشدار می‌دهد و قرمز امرانه دستور می‌دهد لذا کدهای اطلاعاتی با قرمز پوشش داده می‌شوند. استفاده از فرمها و رنگها در کارهای گرافیکی از ظرافت و حساسیت بالایی برخوردار است که باید آگاهانه به‌کار گرفته شوند.